



الزامات ارتقای بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در پسا جنگ ۱۲ روزه

دکتر رضی عمادی^۱ دکتر محمد اکرمی نیا^۲

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

از دیرباز «بازدارندگی» یکی از مسائل اصلی همه دولت‌ها در محیط بین‌المللی بوده است. در دوران ظهور فناوری‌های نوین به‌ویژه فناوری هوش مصنوعی، بازدارندگی وارد مرحله تازه‌ای شده است. هوش مصنوعی با قابلیت‌های گسترده در حوزه‌های تحلیل داده، پیش‌بینی رفتار دشمن، جنگ سایبری، عملیات شناختی و کنترل اطلاعات، توانسته است محاسبات راهبردی دولت‌ها را تغییر دهد. این فناوری نه تنها ابزارهای دفاعی و تهاجمی را متحول کرده، بلکه به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری بازدارندگی نوین مطرح شده است. با توجه به کاربست فناوری‌های نوین در جنگ دوازده روزه، ضرورت ارتقای بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران بیش از گذشته نمایان شده و الزامات بازدارندگی ایران را با پیچیدگی‌هایی مواجه ساخته است. هدف اصلی این مقاله شناسایی الزامات ارتقای بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در پسا جنگ ۱۲ روزه است. پرسش اصلی این مقاله عبارتست از این که «تأثیر جنگ دوازده روزه بر الزامات بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران چیست؟» فرضیه تحقیق این است که جنگ ۱۲ روزه نشان داد جمهوری اسلامی ایران برای مقاوم‌تر شدن در مقابل تهدیدهای نوین لازم است بازدارندگی را در دو بعد سخت‌افزاری (تقویت توان موشکی و پهپادی) و نرم‌افزاری (استفاده از هوش مصنوعی، مدیریت ابزارها و فضای رسانه‌ای) ارتقا دهد. مقاله از نوع کاربردی است و با استفاده از روش تحقیق توصیفی انجام خواهد شد.

^۱ استادیار دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری، تهران، ایران. نویسنده مسئول. ایمیل:

remadi1365@yahoo.com

^۲ دانشیار دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش، تهران، ایران.

داده‌های مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از ابزار اسناد و مدارک گردآوری و به روش تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

کلید واژگان: بازدارندگی، امنیت، جمهوری اسلامی ایران، رژیم صهیونیستی، هوش مصنوعی، جنگ ۱۲ روزه.

مقدمه

در جهان امروز مفهوم بازدارندگی تنها به قدرت نظامی کلاسیک محدود نمی‌شود؛ بلکه با ظهور فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی، ابعاد تازه‌ای یافته است. بازدارندگی در مفهوم سنتی، به معنای ایجاد هزینه‌های سنگین برای دشمن در صورت تجاوز بود، اما با ظهور فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی، این مفهوم گسترش یافته و شامل توانایی پیش‌بینی، مدیریت بحران، و مقابله با تهدیدها در حوزه‌های سایبری، اطلاعاتی و شناختی نیز شده است. هوش مصنوعی توانسته است عرصه‌های مختلف از امنیت سایبری و جنگ‌های اطلاعاتی گرفته تا تحلیل داده‌های کلان و پیش‌بینی رفتار دشمن را دگرگون کند. در این شرایط، بازدارندگی نه‌تنها به معنای داشتن توان پاسخ‌گویی سخت‌افزاری است، بلکه شامل توانایی بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای پیشگیری، هشدار سریع، مدیریت بحران و هوش مصنوعی نیز می‌شود. برای جمهوری اسلامی ایران که در محیط پرتنش و رقابتی منطقه غرب آسیا قرار دارد، بازدارندگی همواره یک ضرورت راهبردی بوده است. ایران طی دهه‌های اخیر با اتکا به ظرفیت‌های بومی دفاعی و بازوان منطقه‌ای، راهبرد بازدارندگی خود را پیگیری کرده است. جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران ضرورت بازنگری در ابزارهای بازدارندگی را آشکار ساخته است. با توجه به دشمنی آشکار آمریکا و رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی ایران و استفاده آنها از جنگ‌افزارهای نوین نظامی و همچنین استفاده

گسترده از هوش مصنوعی و جنگ‌های اطلاعاتی، برای ایران، بازدارندگی در عصر هوش مصنوعی اهمیت دوچندانی دارد. بنابراین، مسئله اصلی پژوهش مشخص نبودن الزامات ارتقای بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در پسا جنگ ۱۲ روزه است. بر اساس مطالعات اکتشافی، بازدارندگی در دوران جدید متشکل از ابعاد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است. در این پژوهش هردو بعد الزامات بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در پسا جنگ ۱۲ روزه مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

رحیم بایزیدی (تابستان ۱۴۰۳) در مقاله «بین‌المللی‌سازی بازدارندگی ایران در خاورمیانه، اوراسیا و جنوب آسیا» معتقد است بین‌المللی‌سازی بازدارندگی، راهبردی است که در چارچوب آن، قدرت بازدارنده با هدف افزایش کارآمدی بازدارندگی، بخشی از ظرفیت‌های نظامی و امنیتی خود را به متحدان خود انتقال می‌دهد. با توجه به گسترش تهدیدهای فرامرزی، در طول سال‌های گذشته، بین‌المللی‌سازی بازدارندگی متعارف با محوریت برنامه موشکی و گروه‌های شبه نظامی، بخشی از راهبرد نظامی و امنیتی ایران در سطح مناطق پیرامونی در خاورمیانه، اوراسیا و جنوب آسیا بوده است.

مرتضی بندری، فاطمه پاکزاد، زهرا پاکزاد و عبدالرضا عالیشاهی (تابستان ۱۴۰۳) در مقاله «طراحی الگوی سیستمی بازدارندگی امنیتی در سیاست خارجی جمهوری بر اساس عملیات وعده صادق» می‌نویسند الگوی سیستمی بازدارندگی امنیتی ایران دارای چهار بعد اصلی شاخص‌های ورودی، فرآیندها، خروجی و پیامدهای سیستم است. شاخص‌های ورودی (حمله رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران و جنگ غزه) دارای ابعاد حقوقی و نظامی - سیاسی؛ فرآیندها (انجام عملیات وعده صادق)

شامل پاسخ حداقلی ایران و پدافند حداکثری رژیم صهیونیستی، دشواری شرایط برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی و افزایش شکاف میان رژیم صهیونیستی و آمریکا؛ شاخص‌های خروجی سیستم (افزایش بازدارندگی ایران) شامل بازطراحی نظام بازدارندگی در منطقه از سوی جبهه مقاومت، بازطراحی الگوی حکمرانی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، بعد قدرت نرم، بعد اقتصادی و تغییر دکترین هسته‌ای ایران و نهایتاً باخورد یا پیامد شامل تلاش برای باثبات سازی سیستم امنیت منطقه خاورمیانه می‌باشد.

محمد فیاض فاروجی، علی زارع و حسین محمدی سیرت (پاییز ۱۴۰۳) در مقاله «تکامل راهبرد بازدارندگی منطقه‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» عنوان می‌کنند ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود همواره با تهدیدات خارجی مواجه بوده است. از این رو، ایران با توسعه صنعت هسته‌ای، موشکی و پهپادی و انتقال تسلیحات، راهبردهای مختلف بازدارندگی را در پیش گرفته است.

شهریز شریعتی و علی نعمت‌پور (بهار ۱۴۰۲) در مقاله «منطق بازدارندگی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» عنوان می‌کنند نظام دفاعی جمهوری اسلامی ایران از جهات مختلف متأثر از فرهنگ راهبردی ایران است که در مواجهه با تهدیدات و چالش‌های متعدد شکل گرفته است. به بیان بهتر، ایران که به واسطه موقعیت خاص ژئوپلیتیکی خود همواره در معرض تهدید رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی بوده، موضوع امنیت و بازدارندگی را یک موضوع حیاتی تلقی می‌کند. اما از هنگام پیروزی انقلاب که اسلام در مرکز سیاست‌های امنیتی و دفاعی کشور

قرار گرفته، این بازدارندگی دارای منطق خاص تری شده است؛ بر این اساس فهم منطق بازدارندگی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مستلزم شناخت رویکرد اسلام به مفهوم دفاع و امنیت است. ماهیت راهبرد دفاعی ایران در چارچوب آموزه‌های اسلامی مبتنی بر بازدارندگی فعال در برابر تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی و حفظ توان حمله دوم به منظور پیشگیری از خطر جنگ علیه ایران است.

جواد حق‌گو، جعفر عظیم‌زاده و محمد رادمرد (زمستان ۱۳۹۹) در مقاله «بازدارندگی شبکه‌ای و بایسته‌های سیاست خارجی ج.ا.ایران در گام دوم انقلاب اسلامی» می‌نویسند از آنجائیکه تداوم تقابل با نظام سلطه یکی از رسالت‌های جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب است، استفاده از تجربیات گذشته امری ضروری است. بهره‌مندی جمهوری اسلامی ایران از سیاست بازدارندگی شبکه‌ای محور اصلی تقابل با رژیم صهیونیستی به عنوان اهرم اصلی نظام سلطه در منطقه غرب آسیا در طول چهار دهه اول انقلاب بوده است.

نوآوری مقاله پیش‌رو این است که در این مقاله نسل‌های چهارگانه بازدارندگی مورد بررسی قرار گرفته و همچنین نقاط قوت و ضعف بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران بر اساس جنگ ۱۲ روزه بررسی شده و نهایتاً نیز الزامات بازدارندگی ایران پساجنگ ۱۲ روزه مطرح شده است.

۱- مبانی نظری

۱-۱ - مفهوم‌شناسی بازدارندگی

بازدارندگی در کنار جنگ، از موضوعات مهم مطالعات راهبردی است. بنیان تفکر نظری در زمینه بازدارندگی پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان از بروز جنگ که سبب‌ساز تحمیل هزینه‌های زیادی بر واحدها خواهد شد، جلوگیری به عمل آورد؟ پاسخ به چنین پرسشی به شکل‌گیری مفهوم نظری بازدارندگی منجر شد. بازدارندگی اساساً مفهومی رئالیستی در روابط بین‌الملل است چرا که قدرت‌محوری را می‌پذیرد و پیشفرض آن نیز مهار قدرت با قدرت است. مفهوم بازدارندگی حدود هفت دهه است که بر راهبرد امنیتی قدرت‌ها (اعم از منطقه‌ای یا جهانی) سلطه داشته و هیچ نشانه‌ای از کاهش نفوذ آن دیده نمی‌شود. رئالیسم، بازدارندگی را بر مبنای قدرت سخت و توان نظامی تعریف می‌کند. از دید رئالیست‌ها، دولت‌ها در محیطی آنارشیک عمل می‌کنند و تنها با تهدید معتبر می‌توانند امنیت خود را حفظ کنند. بازدارندگی یعنی متقاعد کردن دشمن که هزینه حمله بیشتر از منافع آن است. در دوران جنگ سرد، بازدارندگی هسته‌ای (مانند نظریه تخریب حتمی متقابل) نمونه بارز این رویکرد بود (Morgan, 2003: 5-7).

نواقح‌گرایی نیز در تعریف بازدارندگی بر ساختار نظام بین‌الملل و توازن قوا تأکید دارد و بر این باور است که بازدارندگی نه فقط محصول تصمیمات دولت‌ها، بلکه نتیجه موقعیت آن‌ها در نظام بین‌الملل است. در واقع، هر اندازه موقعیتی دولتی در نظام بین‌الملل ضعیف باشد، قدرت بازدارندگی آن نیز ضعیف است (Quackenbush, 2011: 44-47).

بازدارندگی در گذشته معمولاً برای درک بهتر رقابت تسلیحات هسته‌ای در روابط بین‌الملل به کار می‌رفت. توماس شلینگ استدلال کرد که قدرت ویرانگر سلاح‌های هسته‌ای، جنگ‌های سستی را غیرعقلانی ساخته و نیازمند راهبردی برای جلوگیری کامل از درگیری است. شلینگ بر اهمیت تهدیدهای معتبر تأکید داشت و استدلال می‌کرد که بازدارندگی وابسته به این باور دشمن است که تلافی قطعی و ویرانگر خواهد بود (Schelling, 1966) با این حال، این مفهوم بسیار گسترده‌تر است زیرا بازدارندگی شامل استفاده از تهدید از سوی یک طرف برای متقاعد کردن طرف دیگر به خودداری از انجام برخی اقدامات می‌شود. بازدارندگی به معنای دلسرد کردن یا بازداشتن یک دولت از انجام اقدامات نامطلوب، مانند تجاوز نظامی است (Mazarr, 2018: 2). براساس نظریه بازدارندگی، صلح نه از طریق خلع سلاح، بلکه با تضمین این امر حاصل می‌شود که هزینه‌های هرگونه حمله آن قدر سنگین باشد که منافع احتمالی آن را توجیه نکند. جان مرشایمر معتقد است بازدارندگی در گسترده‌ترین معنای خود به معنای متقاعد کردن دشمن برای آغاز نکردن یک اقدام خاص است، زیرا منافع احتمالی آن، هزینه‌ها و خطرات ارزیابی شده را توجیه نمی‌کند (Mearsheimer, 1983: 14) مهم‌ترین مفروض نظریه بازدارندگی این است که دولت‌ها بازیگرانی عقلانی هستند و اگر هزینه بعضی ابتکارات بیشتر از منفعت به دست آمده از آن باشد دولت‌ها از اقدامات تهاجمی علیه مخالفان خود منع خواهند شد. به عبارت دیگر برای تحقق بازدارندگی شرایط و فرضیه‌های متعددی در نظر گرفته می‌شود که نخستین مورد غلبه خردگرایی در نظر تصمیم‌گیرندگان رقیب است. (متقی و ملکی عزین‌آبادی، ۱۳۹۹: ۲۵۸) در دوران جنگ سرد، فرض

اصلی بازدارندگی هسته‌ای این بود که رهبران آمریکا و شوروی عقلانی‌اند و از جنگی که «نابودی متقابل تضمین شده» دارد، پرهیز خواهند کرد.

به طور کلی، راهبرد بازدارندگی نه برای جنگیدن بلکه به منظور جلوگیری از آن و حفظ صلح استفاده می‌شود و طرف مقابل را متقاعد می‌کند که در میان راه‌های موجود، تجاوز و اقدام عملیاتی دارای کمترین اثر است. بازدارندگی به لحاظ فیزیکی از طرف مقابل دفاع نمی‌کند بلکه از لحاظ روانی مانع از تجاوز می‌شود. هنگامی که یک دولت راهبرد بازدارندگی را اتخاذ می‌کند، نشان می‌دهد که به دنبال جنگ نیست، اما همچنان برخی منافع را آن‌قدر حیاتی می‌داند که ارزش جنگیدن دارند. این رویکرد نیت دفاعی بدون ضعف را القا می‌کند. بازدارندگی وضعیت موجود را حفظ می‌کند، نه اینکه آن را برهم بزنند. به همین دلایل، بازدارندگی دارای بار مثبت است که هدف آن حفظ ثبات از طریق متقاعد کردن دشمنان به این موضوع است که هزینه تجاوز بیش از مزایای آن است.

۲-۱- چهار اصل بازدارندگی

در واقع بازدارندگی بر چهار اصل کلی مبتنی است که عبارتند از:

۱-۲-۱- ثبات

اصل ثبات به معنای این است که بازدارندگی نباید موقت یا کوتاه‌مدت باشد بلکه بازدارندگی باید یک وضعیت پایدار و قابل پیش‌بینی باشد. اگر ثبات وجود نداشته باشد، بازدارندگی شکننده خواهد بود و خطر درگیری افزایش می‌یابد. شرایط باید پایدار باشد تا انگیزه حمله کاهش یابد و بازدارندگی در بلندمدت حفظ شود. در

شرایط پایدار، پیام‌های بازدارنده روشن و قابل فهم هستند و احتمال اشتباه در محاسبات طرف مقابل کمتر می‌شود. اگر طرف مقابل تصور کند بازدارندگی موقتی است، ممکن است به اقدام خصمانه دست بزند.

۱-۲-۲-۱-۲-۲ قابلیت یا ظرفیت نظامی تأثیرگذار

بازدارندگی مستلزم آن است که یک دولت از توانایی نظامی کافی یا به عبارتی ظرفیت نظامی تأثیرگذار برای پاسخ قاطع به هر تهدیدی برخوردار باشد. برای نمونه، بازدارندگی هسته‌ای به توانایی یک کشور در اجرای حمله تلافی‌جویانه وابسته است؛ اغلب از طریق قابلیت «حمله دوم» که تضمین می‌کند حتی یک حمله پیش‌دستانه نیز نمی‌تواند بازدارندگی را خنثی کند (Freedman, 2021: 3)

۱-۲-۳-۱-۲-۳ اعتبار

بازدارندگی مؤثر به اعتبار وابسته است؛ به این معنا که طرف بازدارنده باید به‌طور قانع‌کننده توانایی و اراده خود برای تلافی را نشان دهد. اعتبار حیاتی است؛ بدون آن، دشمن ممکن است تصور کند می‌تواند بدون پیامد اقدام کند. اعتبار یعنی باورپذیری تهدید. طرف مقابل باید مطمئن باشد که تهدید واقعاً اجرا خواهد شد. اگر تصور کند تهدید صرفاً یک نمایش سیاسی است، بازدارندگی بی‌اثر می‌شود (Quackenbush and Zagare, 2016: 14)

۱-۲-۴-۱-۲-۴ ارتباط

قصد بازدارندگی باید به‌طور روشن به مهاجمان بالقوه منتقل شود. این ارتباط می‌تواند به شکل اعلامیه‌های عمومی، رزمایش‌های نظامی یا تعهدات اتحادها باشد

که نیت دفاعی را نشان می‌دهند. در طول جنگ سرد، ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی به‌طور منظم از چنین روش‌هایی برای انتقال مقاصد بازدارندگی خود استفاده می‌کردند (Powell, 1990: 34)

۳-۱- انواع بازدارندگی

بازدارندگی به یک شکل انجام نمی‌شود بلکه در اشکال و انواع مختلفی قابلیت اجرایی دارد که عبارتند از (Mazarr, 2018, 1-5):

۳-۱-۱- انکار در مقابل مجازات

انکار به معنای گرفتن اعتماد به نفس از دشمن است. راهبردهای بازدارندگی از طریق انکار تلاش می‌کنند با غیرممکن یا نامحتمل ساختن موفقیت یک اقدام، دشمن بالقوه را از دستیابی به اهدافش بی‌اعتماد کنند. در مقابل مجازات یعنی تهدید به استفاده از زور و تأکید بر توانایی خودی برای مقابله با دشمن.

۳-۱-۲- مستقیم در مقابل گسترده

بازدارندگی مستقیم شامل تلاش‌های یک دولت برای جلوگیری از حمله به قلمرو خود است. بازدارندگی گسترده جلوگیری از حمله به متحدان و منصرف کردن دشمن از حمله به طرف‌های ثالث، مانند متحدان یا شرکا، می‌شود مثل ناتو. در دوران جنگ سرد، بازدارندگی مستقیم به معنای جلوگیری از حمله هسته‌ای شوروی به قلمرو ایالات متحده بود؛ در حالی که بازدارندگی گسترده شامل جلوگیری از حمله متعارف شوروی به اعضای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) می‌شد. ماده ۵ پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، قوی‌ترین تعهد بازدارندگی گسترده

آمریکا محسوب شود. بازدارندگی منطقه‌ای ایران هم نوعی بازدارندگی گسترده محسوب می‌شود. ایران با استفاده از شبکه‌های نیابتی و توان موشکی، تلاش کرد هزینه‌های جنگ را برای اسرائیل افزایش دهد؛ این امر نشان‌دهنده تغییر بازدارندگی از سطح ملی به سطح منطقه‌ای است. با این حال، تفاوت در این است که ایران از بازدارندگی منطقه‌ای بیش از همه برای دفاع از خود بهره گرفته است و اقدام عملیاتی برای دفاع از متحدان خود انجام نداده است.

۳-۳-۱- عمومی در مقابل فوری

بازدارندگی عمومی تلاش مداوم برای جلوگیری از اقدامات ناخواسته در درازمدت و در شرایط غیربحرانی است. بازدارندگی عمومی به وضعیتی اشاره دارد که دشمنان با حفظ نیروهای مسلح خود روابطشان را تنظیم می‌کنند، حتی زمانی که هیچ‌یک از طرفین در آستانه حمله نیستند (Morgan, 2003: 86) بازدارندگی فوری نوعی بازدارندگی کوتاه مدت است و بر تهدید مستقیم و فوری تأکید دارد. بازدارندگی فوری نمایانگر تلاش‌های کوتاه‌مدت و اضطراری برای جلوگیری از یک حمله مشخص و قریب‌الوقوع معمولاً در زمان بحران است.

۴-۱- سیر تحول بازدارندگی

در سیر تاریخی، بازدارندگی تاکنون سه نسل را پشت سر گذاشته و اکنون نسل چهارم را سپری می‌کند. نسل‌های چهارگانه بازدارندگی عبارتند از: بازدارندگی هسته‌ای، بازدارندگی متعارف، چندلایه و بازدارندگی مبتنی بر هوش مصنوعی، سامانه‌های خودکار و موشک‌های هایپرسونیک.

نسل اول بازدارندگی بر پایه تهدید مستقیم نظامی و به‌ویژه سلاح‌های هسته‌ای شکل گرفت و ویژگی‌هایی نظیر اصل «موازنه وحشت» میان قدرت‌های بزرگ، بازدارندگی از طریق تهدید به نابودی متقابل و توانایی ضربه دوم داشته است. توسعه زیردریایی‌های حامل موشک‌های بالستیک غیرقابل نفوذ این امکان را فراهم کرد که حتی پس از حمله نخستین، طرف مقابل بتواند تلافی کند. این عامل بازدارندگی را پایدارتر کرد. این نسل بیشتر بر تهدیدهای وجودی و بحران‌های بزرگ متمرکز بود. هر دو طرف امکان نابودی متقابل تضمین‌شده را درک کرده بودند و در نتیجه بازدارندگی در ذهن‌شان نهادینه شده بود.

نسل دوم بازدارندگی متعارف است. با توسعه سلاح‌های دقیق دوربرد، بازدارندگی از وابستگی صرف به هسته‌ای رها شد. نیروهای متعارف توانستند هم در قالب محروم‌سازی و هم مجازات عمل کنند. این نسل اعتبار بیشتری داشت و در جنگ‌های محدود یا منطقه‌ای کاربرد پیدا کرد. این نسل از بازدارندگی نیز به لحاظ زمانی به دوران جنگ سرد مربوط است.

نسل سوم بازدارندگی نیز بازدارندگی چندلایه و مربوط به دوران پس از جنگ سرد است. با پایان جنگ سرد و ظهور بازیگران غیردولتی، تروریسم و درگیری‌های نامتقارن، پارادایم بازدارندگی دستخوش تحولات اساسی شد و بازدارندگی نیز شکننده‌تر شد چرا که منابع قدرت گسترش یافته و صرفاً شامل در اختیار داشتن سلاح هسته‌ای و متعارف نیست بلکه توانمندی اقتصادی، سایبری و رسانه نیز به منابع قدرت افزوده شد. به عبارت دیگر، قدرت دو بعد سخت و نرم پیدا کرد. بنابراین در دهه‌های اخیر، علاوه بر بعد نظامی، ابعاد اقتصادی، سایبری، دیپلماتیک

و روانی نیز به بازدارندگی افزوده شده و کشورها تلاش کرده‌اند با ترکیب این ابزارها، هزینه اقدام دشمن را افزایش دهند (Stringer, 2024: 126) در بازدارندگی نسل سوم، عقلانیت بازیگران غیردولتی در مقایسه با بازیگران دولتی کاهش زیادی دارد، در حالی که عقلانیت یکی از اصول اصلی بازدارندگی است. بنابراین تهدیدها نیز بیشتر است. موج سوم با تغییر تمرکز به سمت بازداشتن تهدیدات «نامتقارن» از سوی بازیگران غیردولتی و شناسایی مفهوم گسترده‌تر بازدارندگی که فراتر از ابزارهای نظامی می‌رود، مشخص شده است. نظریه بازدارندگی از یک چارچوب صرفاً نظامی-دولتی در موج‌های اول دوم، به سمت یک چارچوب چندلایه و چندبازیگری در موج سوم حرکت کرده است. در واقع، در بازدارندگی چندلایه بخش نظامی همچنان ستون اصلی بازدارندگی باقی می‌ماند. با وجود حملات سایبری، تاب‌آوری دیجیتال و تهدید به پاسخ متقابل در فضای سایبری نیز بخشی از بازدارندگی است. تحریم‌ها، فشارهای مالی، و کنترل زنجیره‌های تأمین به ابزارهای بازدارندگی تبدیل می‌شوند. کارزارهای اطلاعاتی و جنگ روایت‌ها می‌توانند اراده سیاسی و اجتماعی را هدف قرار دهند. بازدارندگی چندلایه باید توانایی مقابله با این جنگ نرم را داشته باشد.

بازدارندگی نسل چهارم، بازدارندگی با هوش مصنوعی و سامانه‌های خودکار و موشک‌های هایپرسونیک است. با افزایش روزافزون نقش ماشین‌های هوشمند در جنگ‌ها، نبرد میان دولت‌ها از حالت تعادل و تقارن سنتی خارج شده و به سمت نبردهای پیشرفته و نامتقارن سوق یافته است. در گذشته، دولت‌ها بیشتر با استفاده از سلاح‌های قابل درک و متعارف در جنگ‌ها شرکت می‌کردند و انسان‌ها

می‌توانستند این نوع از جنگ‌ها را درک کنند؛ اما اکنون یک تحول مهم در عرصه منازعات میان بازیگران روابط بین‌الملل رخ داد. این تحول شامل: استفاده از تسلیحات پیشرفته منطبق با هوش مصنوعی؛ تحول در راهبردهای جنگ و حرکت به سمت راهبردهای غیرمتقارن و تسریع در جنگ‌ها است. (نورمحمدی و تقی‌پور، ۱۴۰۳: ۱۱۶).

ایالات متحده آمریکا از اوایل دهه ۲۰۱۰ به‌طور جدی به سمت هوش مصنوعی به‌عنوان ستون بازدارندگی و دفاع مدرن حرکت کرده است. در سال ۲۰۱۲، وزارت دفاع آمریکا حدود ۵.۶ میلیارد دلار در زمینه هوش مصنوعی و حوزه‌های پشتیبانی هزینه کرد که این رقم در سال ۲۰۱۷ به ۷.۴ میلیارد دلار رسید. به عبارت دیگر، طی پنج سال، سرمایه‌گذاری آمریکا در هوش مصنوعی حدود ۳۰ درصد افزایش داشته است. هوش مصنوعی به‌عنوان یک فناوری راهبردی به سرعت در حال تبدیل شدن به عنصر اصلی رقابت‌های نظامی جهانی است؛ چین و روسیه به‌طور جدی در این مسیر حرکت می‌کنند و ایالات متحده نیز سرمایه‌گذاری‌های کلانی انجام داده است (Yuna, 2021: 4).

همزمان با پیشرفت‌های فناوری و ورود به عصر هوش مصنوعی، ماهیت بازدارندگی نیز تغییر پیدا کرده است. این تغییر نشان‌دهنده ورود به یک نسل جدید از بازدارندگی است که بسیار پیچیده‌تر و شکننده‌تر از گذشته خواهد بود. این تحول در جنگ‌های رژیم صهیونیستی علیه غزه و لبنان از سال ۲۰۲۳ به بعد و در جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران عینیت داشته است. بازدارندگی مبتنی بر ماشین‌های هوشمند فقط به قدرت نظامی وابسته نیست؛ بلکه

فرآیندی وابسته به فناوری، افکار عمومی و ساختار بین‌المللی است. در نسل چهارم بازدارندگی، آسیب‌پذیری فرماندهی و کنترل به همان اندازه زرادخانه‌ها اهمیت دارد. خطر فقط از بمب‌های هسته‌ای نیست؛ سلاح‌های دقیق دوربرد، حملات سایبری و حتی ترور هدفمند رهبران می‌توانند فرماندهی را مختل کنند. ترور سایبری و ترور رهبران یکی از مهم‌ترین تهدیدها علیه بازدارندگی نسل چهارم است که پیامد آن اختلال در تصمیم‌گیری، بی‌ثباتی سیاسی و کاهش توان حملات سایبری در بحران است. نسل چهارم بازدارندگی «رویکرد مبتنی بر اثرات» است. به جای تمرکز صرف بر «تخریب اهداف»، بر دستیابی به «اثرات راهبردی» خاص مانند مختل کردن فرآیند تصمیم‌گیری دشمن، تضعیف اراده او، یا محدود کردن گزینه‌های عملیاتی‌اش تأکید دارد. ترکیب هوش مصنوعی و سلاح‌های هایپرسونیک ویژگی‌های خاصی به بازدارندگی نسل چهارم داده است که عبارت‌اند از:

- سرعت و دقت بی‌سابقه:

سلاح‌های هایپرسونیک می‌توانند با سرعتی چند برابر صوت حرکت کنند و مسیرهای غیرقابل پیش‌بینی داشته باشند. اگر این سلاح‌ها با الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای هدایت و هدف‌گیری ترکیب شوند، زمان واکنش دشمن به شدت کاهش می‌یابد.

• فشار بر فرماندهی و کنترل:

آسیب‌پذیری فرماندهی و کنترل یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های بازدارندگی است. سلاح‌های هایپرسونیک مجهز به هوش مصنوعی می‌توانند در کسری از ثانیه مراکز فرماندهی را هدف قرار دهند و فرصت تصمیم‌گیری انسانی را از بین ببرند.

• تضعیف بازدارندگی سنتی:

بازدارندگی سنتی بر پایه توانایی ضربه دوم بنا شده بود، اما اگر یک حمله هایپرسونیک-هوش مصنوعی بتواند فرماندهی و کنترل را نابود کند، حتی زرادخانه‌های باقی‌مانده بی‌اثر خواهند شد. این امر اعتبار تهدید به تلافی را کاهش می‌دهد.

• خطر تشدید ناخوابسته بحران:

ترکیب سرعت ماشینی و مسیرهای غیرقابل پیش‌بینی می‌تواند به تشدید ناخوابسته منجر شود. یک خطای کوچک در الگوریتم یا سوءتفاهم در تشخیص هدف ممکن است بحران را به سرعت به جنگ تمام‌عیار تبدیل کند.

• نسل ویژگی اصلی بازیگر چالش‌ها

نسل اول: بازدارندگی هسته‌ای (جنگ سرد): مبتنی بر نابودی متقابل تضمین شده، توانایی ضربه دوم دولت خطر تشدید ناخوابسته

نسل دوم: بازدارندگی متعارف استفاده از نیروهای متعارف برای محروم‌سازی و مجازات هدفمند با سلاح‌های دقیق دوربرد دولت نیاز به برتری نظامی پایدار، هزینه‌های اقتصادی بالا.

نسل سوم: بازدارندگی چند لایه گسترده‌تر، شامل قدرت سخت و نرم دولت و غیردولتی تهدیدهای کوچک و متنوع، بازیگران غیردولتی و تروریسم، عدم قطعیت در اثربخشی.

نسل چهارم: بازدارندگی مبتنی بر هوش مصنوعی و هایپرسونیک تصمیم‌گیری ماشینی، سرعت فوق‌صوت، کاهش هزینه انسانی دولت، غیردولتی و بازیگران فروملی آسیب‌پذیری فرماندهی و کنترل، خطر تشدید ناخواسته سریع.

۲- بازدارندگی در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران یکی از قدرت‌های منطقه غرب آسیا است. مهم‌ترین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران، بازدارندگی است که با تحول همراه بوده است. راهبرد بازدارندگی ایران در دهه ۱۹۸۰ بر پایه موشک بود، در دهه ۲۰۰۰ به دفاع موزاییکی و جنگ نامتقارن، و سپس به دفاع پیشرو و جنگ ترکیبی در دهه ۲۰۱۰ تحول یافته است. امروز راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران شامل بازدارندگی چندلایه و ترکیبی و بر پایه چهار ستون اصلی بنا شده است (Yossef, 2019):

۱-۲- توان موشکی بالستیک و کروز برای تهدید مستقیم

از میانه دهه ۱۹۸۰، ایران یک دکترین دفاعی/بازدارنده را اتخاذ کرده است که ویژگی‌های اصلی آن عبارت‌اند از: توسعه موشک‌های بالستیک دوربرد به‌عنوان ابزار بازدارندگی؛ و دفاع عمدتاً توسط نیروهای نامنظم در قالب جنگ نامتقارن.

۲-۲- دفاع موزاییکی (جنگ نامتقارن)

پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، در کنار توانمندی موشکی، دفاع موزاییکی نیز به راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران افزوده شد. در این چارچوب، سپاه و ارتش با بسیج نیروهای مردمی در کشورهای منطقه، مهاجم را درگیر جنگ طولانی و پرهزینه می‌کنند.

۲-۳- دفاع پیشرو (جنگ ترکیبی و نیابتی)

از سال ۲۰۱۲ برای جلوگیری از جنگ در داخل، دفاع پیشرو به‌عنوان راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران تعیین شد. چهار بُعد اصلی ماهیت ترکیبی این دکترین و رویکرد تهاجمی آن را نشان می‌دهند: نیروهای نیابتی، جنگ پهپادی و دریایی چریکی، و سایبری. تلاش برای شبکه‌سازی و تقویت جریان مقاومت در منطقه با همکاری لبنان، عراق، فلسطین، سوریه و یمن و همچنین استفاده از برنامه‌های موشکی و نمایش قدرت نظامی در منطقه مورد توجه قرار گرفت. در این چارچوب ایران باید در خارج از مرزهای خود با مخالفان خود بجنگد تا از درگیری در داخل ایران جلوگیری کند.

۴-۲- بازدارندگی هسته‌ای غیرمستقیم

اگرچه ایران به سمت دستیابی به سلاح هسته‌ای حرکت نکرد، اما از تقویت توانمندی هسته‌ای برای مقابله با فشار سیاسی و امنیتی در چارچوب ابهام راهبردی بهره گرفته است.

- نوع بازدارندگی ابزارها و شیوه‌ها اهداف و پیامدها
- ۱. بازدارندگی موشکی موشک‌های بالستیک و کروز تهدید مستقیم پایگاه‌های آمریکا و اسرائیل؛ افزایش هزینه حمله دشمن
- ۲. دفاع موزاییکی جنگ نامتقارن، بسیج نیروهای پراکنده، جنگ فرسایشی کاهش کارایی حمله دشمن؛ دشوار کردن اشغال خاک ایران
- ۳. دفاع پیشرو نیروهای نیابتی، پهپادها، جنگ دریایی چریکی، توان سایبری انتقال میدان نبرد به خارج از مرزها؛ جلوگیری از درگیری داخلی
- ۴. بازدارندگی هسته‌ای غیرمستقیم غنی‌سازی اورانیوم، ظرفیت بالقوه نظامی ایجاد ابهام راهبردی؛ فشار سیاسی و امنیتی بدون ورود به ساخت سلاح هسته‌ای

پس از بهار عربی، چشم‌انداز جدیدی در منطقه غرب آسیا پدیدار شد که تهدیدی استراتژیک برای اسرائیل را مطرح می‌کرد. از دیدگاه اسرائیل، ایران نفوذ خود را در منطقه از طریق نیروهای نیابتی گسترش داد و اسرائیل نسبت به برنامه هسته‌ای رو به رشد آن بدبین شد، زیرا نگران بود که این برنامه بتواند ابعاد نظامی پیدا کند. اسرائیل برای مهار ایران، بازدارندگی را انتخاب کرد و مرتباً از شبه‌نظامیان سنی علیه نیروهای نیابتی ایران حمایت کرده است. در طول دولت اوباما، علیرغم

اختلافات بر سر مدیریت مسئله هسته‌ای ایران، جریان مداومی از هماهنگی در سطح بالا بین اسرائیل و ایالات متحده برای کاهش اختلاف نظر در مدیریت پرونده ایران وجود داشته است. در حالی که اواما یک استراتژی غیر نظامی را تأیید می‌کرد، اسرائیل رویکردی تهاجمی‌تر را ترجیح می‌داد و مقامات ایالات متحده تلاش کردند نتانیاها را از آغاز حمله نظامی یکجانبه علیه ایران که امنیت اسرائیل را به خطر می‌انداخت، منصرف کنند. با این حال، نیروهای لابی‌گر اسرائیل در طول دولت ترامپ موفق شدند ایالات متحده را در ماه مه ۲۰۱۸ به خروج از توافق هسته‌ای سوق دهند، زیرا ایران می‌توانست آن را امضا کند و از مفاد آن، همانطور که توسط آقای ترامپ اعلام شده بود، پیروی نکند. علاوه بر این، تحریم‌های جدیدی علیه ایران اعمال شد که در آن رژیم ایران از صادرات نفت ایران منع شده است تا قدرت ایران را تضعیف کرده و مانع توسعه برنامه هسته‌ای آن شود. دولت راست‌گرای طرفدار اسرائیل در آمریکا، با حفظ یک جریان ثابت و دیرینه که همیشه امنیت اسرائیل را تضمین کرده و بر برتری آن در منطقه تأکید داشته است، پیوسته حضور یک قدرت هسته‌ای در منطقه که اراده سیاسی و توانایی ملی برای به چالش کشیدن برتری اسرائیل را داشته باشد، رد کرده است. تنها نیرویی که قادر به به چالش کشیدن این موقعیت است، ایران است (Maher, 2023: 241).

۳- تأثیر جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران بر بازدارندگی ایران

جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران صحنه به کارگیری سلاح‌های جدید و زیر سوال بردن بازدارندگی سنتی بود. به طور کلی، جنگ ۱۲ روزه تأثیرات مهمی بر مفهوم بازدارندگی داشته که برخی از این تأثیرات عبارت‌اند از (Alfian Maulana, 2024: 4):

- تضعیف بازدارندگی سنتی: آغاز جنگ نشان داد که صرف داشتن توان موشکی و هسته‌ای بالقوه نمی‌تواند مانع اقدام نظامی شود.
- افزایش اهمیت بازدارندگی سایبری و اطلاعاتی: حملات سایبری و جنگ اطلاعاتی میان دو طرف، نشان داد که بازدارندگی در عصر جدید تنها به قدرت نظامی محدود نیست.
- بازدارندگی در سطح بین‌المللی: واکنش قدرت‌های بزرگ به این جنگ، نشان داد که بازدارندگی دیگر تنها یک رابطه دوجانبه نیست، بلکه در چارچوب نظام بین‌الملل و موازنه‌های جهانی معنا پیدا می‌کند.
- علاوه بر این، جنگ ۱۲ روزه نقاط قوت و ضعف بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران را مشخص کرده است.

۱-۳- نقاط ضعف:

نقاط ضعف بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در جنگ ۱۲ روزه در محورهای زیر بود:

- رژیم صهیونیستی اعتبار بازدارندگی ایران را جدی نگرفت
- به لحاظ نوع بازدارندگی، بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های گذشته ترکیبی از انکار (زیر سوال بردن توانمندی دشمن / روانی)، مجازات (تهدید به استفاده از قابلیت نظامی در مقابل هر نوع تهاجمی)، مستقیم (هر حمله‌ای به خاک ایران با واکنش گسترده ایران مواجه خواهد شد) و گسترده (استفاده از متحدان

منطقه‌ای) بود. جنگ ۱۲ روزه و پیش از آن نیز حمله به مواضع ایران در سوریه و یا حمله به متحدان جمهوری اسلامی ایران در منطقه، نشان داد که رژیم صهیونیستی به لحاظ ادراکی تحت تأثیر مواضع ایران قرار نگرفت و ریسک بالا برای حمله به ایران را پذیرفت. بنابراین، استراتژی بازدارندگی ایران در جهت منصرف‌سازی و اقتناع‌سازی دشمن از اعمال اقدام‌های تهدیدآمیز غیرنظامی و نظامی علیه ایران، کارآمدی نداشته است.

- آسیب‌های قابلیت دفاعی ایران در جنگ آشکار شد

جنگ ۱۲ روزه و حمله‌های رژیم صهیونیستی علیه مواضع مختلف در داخل خاک ایران و با پرواز جنگنده‌ها در آسمان ایران، نشان داد که بازدارندگی به لحاظ دفاعی آسیب دیده است. آسیب‌های نیروی هوایی و پدافند در مقابل دشمن آشکار شد. حملات سایبری، حملات از طریق هوش مصنوعی و همچنین نفوذ عوامل انسانی به داخل خاک ایران نیز آسیب‌ها در حوزه دفاع سایبری و دفاع مبتنی بر هوش مصنوعی را آشکار کرد.

- اختلال در عنصر ارتباط بازدارندگی

یکی دیگر از نقاط ضعف این بود که عنصر ارتباط (مشخص نشدن دقیق حدود اعمال ممنوعه) به عنوان یکی از ارکان اصلی بازدارندگی دچار اختلال شد. اختلال در عنصر ارتباطی بازدارندگی سبب شد که رژیم اسرائیل از خطوط قرمز عبور عبور کند. همچنین از دید آمریکا و اسرائیل توانمندی نظامی ایران تدافعی نبود بلکه تهاجمی و هدف قرار دادن دارایی‌های نظامی آمریکا و متحدانش بود. (انصاری‌فرد و حاجی یوسفی، ۱۴۰۳: ۱۹۱).

۲-۳- نقاط قوت:

نقاط قوت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در جنگ ۱۲ روزه نیز در محورهای زیر بود:

- توانمندی موشکی و پهپادی

جنگ ۱۲ روزه اثبات کرد جمهوری اسلامی ایران به لحاظ موشکی و پهپادی، توان اعمال بازدارندگی مستقیم (در دفاع از خود) را دارد. خسارت‌های ناشی از حملات موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی ایران علیه اراضی اشغالی، عامل اصلی درخواست رژیم صهیونیستی برای آتش‌بس بود.

- توان بازآرایی سیستم فرماندهی و کنترل

در بازدارندگی نسل چهارم، فروپاشی سیستم فرماندهی و کنترل یکی از ابعاد اصلی است. رژیم صهیونیستی نیز در جنگ ۱۲ روزه با ترورهای هدفمند تلاش کرد سیستم فرماندهی و کنترل نظامی ایران را دچار فروپاشی سازد. با این حال، یکی از مهم‌ترین نقاط قوت ایران در جنگ ۱۲ روزه بازآرایی سیستم فرماندهی و کنترل بود که در کمترین زمان فرماندهان جدید توسط فرمانده کل قوا منصوب شدند و حملات موشکی و پهپادی ایران علیه اسرائیل آغاز شد.

- حفظ انسجام و یکپارچگی ملی

یکی دیگر از ابعاد نسل ششم بازدارندگی، بعد روانی مربوط به جامعه است. در واقع، دشمن تلاش می‌کند به لحاظ روانی جامعه را دچار فروپاشی کند. آنچه در

جنگ ۱۲ روزه رخ داد، این بود که مردم ایران در مقابل حمله دشمن، انسجام و یکپارچگی خود را حفظ کرده و تحت تأثیر جنگ ادراکی دشمن قرار نگرفتند.

۴- الزامات ارتقای بازدارندگی ایران پس از جنگ ۱۲ روزه

ارتقا بازدارندگی ایران در فضای پساجنگ ۱۲ روزه الزاماتی دارد که این الزامات را باید در چارچوب ۴ اصل بازدارندگی بیان کرد:

۴-۱- ثبات

در جنگ ۱۲ روزه پایدار بودن بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران زیر سوال رفت. اصل ثبات در بازدارندگی برای ایران به معنای تثبیت موقعیت راهبردی، کاهش احتمال حمله مجدد، و ایجاد شرایط پایدار در منطقه است که باید در فضای پساجنگ ۱۲ روزه بر پایه سه محور انسجام داخلی، بازدارندگی چندلایه، و نقش آفرینی منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد. این عوامل موجب می‌شود که بازدارندگی ایران نه تنها موقت نباشد، بلکه در بلندمدت پایدارتر شود و احتمال حمله مجدد اسرائیل کاهش یابد.

۴-۲- اعتبار

جمهوری اسلامی ایران باید بتواند بار دیگر با تقویت قابلیت‌ها و مولفه‌های قدرت خود، اعتبار بازدارندگی را احیا کند. یکی از الزامات مهم این است که درک دشمن از عقلانیت جمهوری اسلامی ایران به ترس از اقدام نظامی تعبیر نشود. بازدارندگی زمانی کارآمد است که تهدیدها و توان دفاعی یک کشور برای دشمن باورپذیر و جدی باشد. احیای اعتبار در بازدارندگی ایران پس از جنگ با اسرائیل یک ضرورت

راهبردی است. این اعتبار نه تنها دشمن را از حمله مجدد باز می‌دارد، بلکه اعتماد داخلی، ثبات منطقه‌ای و قدرت دیپلماتیک ایران را تقویت می‌کند.

۴-۳- ارتباط

لازم است جمهوری اسلامی ایران به شکل روشن و آشکار قصد بازدارندگی را به دشمن صهیونیستی برساند و به طور روشن و دقیق نیز حدود اعمال ممنوعه را برای اسرائیل مشخص سازد. اسرائیل آستانه پایینی برای رفتار دشمن تعیین کرده است؛ به این معنا که حتی اقدامات نسبتاً کوچک و تحریک‌آمیز دشمن می‌تواند پاسخ اسرائیل را برانگیزد. این آستانه به گونه‌ای تعریف شده که دشمن از آن آگاه باشد و به اعتبار آن باور داشته باشد (Milosavljevic and Blagojevic, 2024: 390). این موضوع باید برای جمهوری اسلامی ایران نیز عینیت پیدا کند به نحوی که دشمن صهیونیستی نیز به این جمع‌بندی برسد که جمهوری اسلامی ایران مانند گذشته در مقابل ترورها، خرابکاری‌ها و ... از صبر استراتژیک استفاده نمی‌کند بلکه واکنشی قاطع نشان خواهد داد.

۴-۴- قابلیت

یکی از مهم‌ترین الزامات بازدارندگی ایران در فضای پسا جنگ ۱۲ روزه، ارتقای قابلیت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است. در بعد سخت‌افزاری، قابلیت نظامی در قالب موشک و پهپاد باید ارتقا یافته و کیفی‌سازی شود، از سوی دیگر نیروی هوایی، دریایی، پدافند، جنگ الکترونیک و سایبری و همچنین بهره‌گیری دقیق و کیفی از هوش مصنوعی در صنایع نظامی نیز به عنوان اولویت تعیین شود. یکی از

ظرفیت‌های جمهوری اسلامی ایران نیز برخوردار از متحدان منطقه‌ای است. لازم است جمهوری اسلامی ایران در جهت کیفی‌سازی توانمندی نظامی شبکه بازیگران محور مقاومت و بهره‌گیری از ژئوپلتیک مقاومت اراده جدی‌تری داشته باشد. در بعد نرم‌افزاری نیز مجموعه‌ای از ابزارهای روانی، فرهنگی، رسانه‌ای و دیپلماتیک، نقشی حیاتی در کارآمدی بازدارندگی دارد. برای ایران، تقویت این بعد پس از تحولات منطقه‌ای و جنگ‌های اخیر اهمیت دوچندان یافته است. دشمنان ایران تلاش می‌کنند با عملیات روانی، تبلیغات رسانه‌ای و جنگ روایت‌ها، اراده ملی و اعتماد عمومی را تضعیف کنند. ایران باید با تولید روایت‌های معتبر و تقویت رسانه‌های داخلی و بین‌المللی، این جنگ نرم را مدیریت کند. علاوه بر این، بازدارندگی زمانی پایدار است که ایران بتواند مشروعیت اقدامات خود را در سطح جهانی توضیح دهد و حمایت افکار عمومی بین‌المللی را جلب کند. این امر نیازمند دیپلماسی فعال و ارتباط مؤثر با قدرت‌ها و نهادهای جهانی است. همچنین بازدارندگی نرم‌افزاری بر پایه اعتماد مردم به دولت و نهادهای دفاعی شکل می‌گیرد.

• نوع بازدارندگی ابزارها و مؤلفه‌ها کارکرد و پیامد برای ایران

۱. سخت‌افزاری

توان نظامی متعارف (نیروی هوایی، دریایی)، موشک‌های بالستیک، پهپادها، سامانه‌های پدافندی، فناوری‌های پیشرفته به خصوص هوش مصنوعی ایجاد هزینه‌های سنگین برای دشمن در صورت حمله؛ افزایش قدرت دفاعی و

بازدارندگی مستقیم، ایجاد بازدارندگی راهبردی و افزایش قدرت چانه‌زنی در سطح بین‌الملل

۲. نرم‌افزاری

رسانه و دیپلماسی عمومی، دیپلماسی منطقه‌ای و بین‌المللی، انسجام اجتماعی و سرمایه ملی، قدرت سایبری و اطلاعاتی مدیریت افکار عمومی داخلی و خارجی؛ مقابله با جنگ روانی دشمن، افزایش مشروعیت اقدامات ایران و کاهش فشارهای سیاسی جهانی، تقویت وحدت داخلی و تبدیل حمایت مردمی به بخشی از قدرت بازدارنده، مقابله با حملات سایبری و عملیات روانی؛ حفظ امنیت ادراکی جامعه.

نتیجه‌گیری

سیر تحول بازدارندگی به خصوص در آغاز قرن ۲۱ نشان می‌دهد که با ظهور بازیگران غیردولتی، استفاده از هوش مصنوعی در تسلیحات و جنگ‌ها و همچنین استفاده از رسانه‌های نوین، شکنندگی بازدارندگی بیشتر شده است. اگرچه در نسل جدید بازدارندگی همچنان قدرت نظامی رکن اصلی است، اما ترکیبی از توانمندی فناوری، اجتماعی، سیاسی، سایبری، اقتصادی و اطلاعاتی برای کارآمدی بازدارندگی ضروری است. در نسل جدید بازدارندگی، کشورها ممکن است برای دستیابی به برتری در هوش مصنوعی وارد رقابت تسلیحاتی شوند. افزایش استفاده از سامانه‌های بدون سرنشین در میدان نبرد، پیشرفت‌ها در حوزه هوش مصنوعی، و علاقه بسیاری از کشورها به کاربردهای نظامی هوش مصنوعی و سامانه‌های

خودکار، احتمالاً باعث خواهد شد که این فناوری‌ها به‌طور گسترده در درگیری‌های آینده مورد استفاده قرار گیرند. هوش مصنوعی و سامانه‌های بدون سرنشین باعث می‌شوند که تلفات انسانی کمتر به نظر برسد. این امر می‌تواند آستانه ورود به درگیری را پایین بیاورد و مدیریت بحران را دشوارتر کند. توسعه سامانه‌هایی که قادرند مأموریت‌های پیچیده را بدون حضور مستقیم انسان انجام دهند، به‌سرعت در حال وقوع است. این روند نه‌تنها بازدارندگی را تغییر می‌دهد، بلکه دکترین نظامی و مفاهیم عملیاتی را نیز بازطراحی خواهد کرد.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از قدرت‌های منطقه غرب آسیا، بازدارندگی را راهبرد اصلی دفاعی خود قرار داد. کارآمدی ناکافی بازدارندگی ایران که بر مبنای توانمندی موشکی، پهپادی، متحدان منطقه‌ای و جنگ نامتقارن بود، نشان داد که بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران نیز نیازمند بازتعریف است. دیگر صرفاً قدرت نظامی مبتنی بر موشک و پهپاد یا متحدان منطقه‌ای مانع از به کارگیری جنگ علیه ایران نمی‌شود بلکه به کارگیری ترکیبی از ابزارهای سخت و نرم، هوش مصنوعی، شبکه‌های نیابتی، جنگ سایبری و مدیریت افکار عمومی ضروری است. همچنین افزایش کارآمدی نظام سیاسی و رضایت مردمی نیز یک ضرورت راهبردی محسوب می‌شود. این تحول بازتابی از جهانی است که تهدیدها متنوع‌تر، سریع‌تر و پیچیده‌تر شده‌اند.

۱. انصاری فرد معصومه و حاجی یوسفی امیرمحمد، (۱۴۰۳)، «چالش‌های راهبرد بازدارندگی ایران در نظم پساجنگ سرد از منظر رهیافت اقتصاد سیاسی (۲۰۲۴-۱۹۹۰)»، فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دوره ۷، شماره ۲.
۲. متقی ابراهیم و ملکی عزین‌آبادی روح‌الله، (۱۳۹۹)، «بازاندیشی در راهبرد بازدارندگی با کاربست نظریه سازه انگاری»، فصلنامه علمی مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی، دوره ۱۰، شماره ۳۸.
۳. نورمحمدی مرتضی و تقی‌پور تیرداد، (۱۴۰۳)، تأثیر هوش مصنوعی بر ماهیت جنگ‌ها، فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی ج.ا.ایران، سال نهم، شماره ۳۰.

4. Alfian Maulana Muhammad, (2024), UNVEILING IRAN'S DETERRENCE BY DENIAL STRATEGY IN RETALIATORY STRIKE AGAINST ISRAEL, Indonesian Journal of International Relations Vol. 8, No. 2.
5. Chesser Nancy, (2007), "Deterrence in the 21st Century: An Effects-Based Approach in a Multi-Domain World", US Strategic Command Global Innovation and Strategy Center.
6. Keohane Robert O and Nye Joseph S, (2001), Power and Interdependence, Longman.
7. Maher Nora, (2023), Balancing deterrence: Iran-Israel relations in a turbulent Middle East, Review of Economics and Political Science (REPS), Cairo University.
8. Mazarr Michael J, (2018), Understanding Deterrence, Santa Monica, CA: RAND Corporation.
9. Mazarr Michael J, (2021), Understanding Deterrence, in, Frans Osinga and Tim Sweijs, Deterrence in the 21st Century: Insights from Theory and Practice, Springer.
10. Mearsheimer John J, (1983), Conventional Deterrence, New York: Cornell University Press.
11. Milosavljevic Branislav and Blagojevic Veljko, (2024), "The Concept of Deterrence in current Relations in the Middle East", The Review of International Affairs, LXXV (1192).
12. Morgan Patrick M, (2003), Deterrence Now, Cambridge University Press.

13. Powell, R, (1990), Nuclear Deterrence Theory: The Search for Credibility, Cambridge University Press.
14. Quackenbush Stephen L, (2011), Understanding General Deterrence: Theory and Application. Palgrave Macmillan.
15. Quackenbush Stephen L and Zagare Frank C, (2016), Modern Deterrence Theory: Research Trends, Policy Debates, and Methodological Controversies, Oxford Handbooks Online, <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199935307.013.39>
16. Schelling Thomas, (1966), Arms and Influence, Yale University Press.
17. Stringer Kevin D, (2024), "A Gray Zone Option for Integrated Deterrence: Special Operations Forces (SOF)", PRISM Vol. 10, No. 4
18. Wendt Alexander, (1999), Social Theory of International Politics, Cambridge University Press.
19. Yossef Amr, (2019), "Upgrading Iran's Military Doctrine: An Offensive Forward Defense", <https://www.mei.edu/publications/upgrading-irans-military-doctrine-offensive-forward-defense>
20. Yuna Huh Wong, (2020), "Deterrence in the Age of Thinking Machines", https://www.rand.org/pubs/research_reports/RR2797.html